



محمدهادی دیده‌بان

«ران آراد» خلبان جوان، مغورو و کم تجربه فاتنوم آنقدر از ارتفاع پرواز خود کاست تا موشک «سام ۷» شلیک شده از شانه یک جوان فلسطینی او را به سوی سرنوشتی نامعلوم - تا اکنون - سوق دهد. هواپیمای آتش گرفته وی در یک چشم بهم زدن در نزدیکی روستایی از توابع صیدا سقوط کرد، تا نیروهای مقاومت لبنان سبررسند، کمک خلبان فاتنوم توسط کماندوهای ویژه اسرائیل از قلب منطقه خطر نجات یافته و با هلی کوپتر به جبهه خودی منتقل شد. اما «ران آراد» مجرح حتی قبل از آن که فکر چاره‌ای کند سایه نیروهای خشمگین گروه «مقاومت مومنه» به فرماندهی مصطفی دیرانی (مسئول وقت کمیته امنیت سازمان امل) را بالای سر خود دید.

۴. تصرف بخش‌هایی از لبنان (همان سال)
در همان سال نیروهای ویژه اسرائیل به فرماندهی اریل شارون به «باء غربی» حمله کرده و علی رغم مقاومت شدید مبارزان شیعه در این شهر، پس از گذشت اندک زمانی به پیروزی‌های بزرگی دست یافته و سپس بخش‌های عمدتی از خاک لبنان را نیز به تصرف خود درآورده‌اند.

۵. آگوست ۱۹۸۹م
در نیمه‌های شنبی تابستانی در مردادماه ۱۳۶۸ش آن زمان که مردمان پرتلاش و خون گرم شهر «جیشیت» (در نزدیکی صیدا) خسته از کار روزانه در خوبی گرم و آرام فرو رفته بودند، هلیکوپتر غول پیکری در مرکز شهر فرود آمد و کماندوهای ویژه ارتش اسرائیل به سمت آپارتمانی در نزدیکی محل فرود به راه افتادند. آن‌ها با وارد شدن به آپارتمان و شکستن در ورودی طبقه دوم، شیخ عبدالکریم

۱۰. اکتبر ۱۹۸۰م. تهران

سفارت آمریکا در تهران به تسخیر جوانان معترضی درآمد که خود را «دانشجویان پیرو خط امام» می‌نامیدند. آن‌ها معتقد بودند، این سفارت به لانه‌ای برای جاسوسی، دخالت و کارشناسی آمریکا در امور داخلی کشورهای منطقه به ویژه ایران، تبدیل شده است.

گمان دانشجویان آن گاه به یقین مبدل شد که اسناد سفارت به دست آن‌ها افتداد تا پرده از ماهیت مژوّانه و اقدامات

خلاف عرف دیپلماتیک سفیران کاخ سفید کنار رود. چندماه بعد در آخرین روزهای سرد زمستانی سال ۱۳۵۸

می‌شوند. آن‌ها در ادامه راه خود در فرودگاه انتیه

به زمین نشسته و خواستار آزادی هزاران زن و مرد و کودک فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی در برابر رهایی

گروگان‌های عمدتاً یهودی شدند.

دریی این جریان کماندوهای دریایی گروه «سایر

ماتکال» اسرائیل از فرماندهی دریایی فوق سری

«علیتی» با دو فروند هواپیمای غول پیکر هر کولس ۱۳۰

عازم انتیه شدند. آنان در ادامه با یک عملیات متهورانه

گروگان گیری را تحت نظر کماندوهای ویژه اسرائیل که

عملیات انتبه برایشان چیزی جز تفریحی مهیج محسوب

نمی‌شد، فرا گرفتند.

... و سرانجام شد آن‌چه همه دیدیم که صحرای سوزان

طبس به گورستانی برای اصحاب ابرهه تبدیل شد.

۳. سپتامبر ۱۹۸۷م

بعداز ظهر خنک یکی از روزهای پاییزی در (مهرماه

۱۳۶۵ش) چند فروند جنگنده مسلح اسرائیلی وارد حریم

هوایی صیدا در جنوب غربی لبنان شده و اردوگاه‌های

آوارگان فلسطینی را به رگبار موشک بستند. در این بین

برداشت اول

۱۹۶۷م. فرودگاه انتبه (اوگاندا)

آن‌زمان هیچ کس گمان نمی‌کرد که رایش هواپیمای مسافربری شرکت (لوفت هاگزا) چنان فرجام غمباری دریی داشته باشد. ماجرا از این قرار بود:

در آن سال گروهی از مبارزان فلسطینی با همکاری چند تبعه آمریکای لاتین، هواپیمای شرکت یادشده را با

دها سرنشین ریوده و آن را مجبور به فرود اضطراری در بیرون می‌کنند. آن‌ها در ادامه راه خود در فرودگاه انتبه

به زمین نشسته و خواستار آزادی هزاران زن و مرد و کودک فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی در برابر رهایی

گروگان‌های یهودی شدند.

دریی این جریان کماندوهای دریایی گروه «سایر

ماتکال» از فرماندهی دریایی فوق سری

«علیتی» با دو فروند هواپیمای غول پیکر هر کولس ۱۳۰

عازم انتبه شدند. آنان در ادامه با یک عملیات متهورانه

گروگان گیری همه گروگان‌ها، جز دو نفر را زنده نجات

داده و تمامی گروگان‌گیران را به قتل رسانند. سربازان

«دان شامرون» که فرماندهی این عملیات جسورانه را به

عهده داشت سپس تمامی افراد حاضر در فرودگاه را قتل

عام کرده و با استفاده از توپ‌های ۱۰۶ که از قبل داخل

هر کولس‌ها مهیا شده بودند تمامی ساختمان‌ها، آشیانه‌های پرواز فرودگاه و هوایپماهای موجود بر روی باند را منهدم

کرده و به همراه گروگان‌های اسرائیلی راهی تل ابیو شدن تا بعدها «شامرون» به پاس این حرکت شگفتی آفرینش تا

ریاست ستاد ارتش ارتقاء یابد.

عبدیم امام جمعه شهر را که برای عبادت نیمه شبیش برخاسته بود، ربوه و به اسرائیل متصل کردند.

۶. زوئن ۱۹۹۴ م

بنج سال بعد یعنی در (سوم خرداد ۱۳۷۳ هش) نیمه های شب، هلیکوپتری بر تپه ای در نزدیک روستای «قصر نبا» در دره بقاع فرود آمد. این بار تا مصطفی دیرانی و پژوه اسلحه کمری خود را از زیر بالش درآورد، نیروهای ویژه ارتش عربی که برای آدمربایی هایی از این دست آموختند دیده بودند، وی را در برایر چشم ان وحشت زده و به تنک پسر ده ساله و اعضای خانواده اش دستگیر کرد و به سرعت به سمت شمال فلسطین اشغالی پرواز کردند.

هدف این دو آدمربایی اخیر، آن گونه که مقامات رژیم اشغالگر مدعا شده اند، کسب اطلاعات و اخباری پیرامون خلبان مفقود ران آزاد بوده است.

۷. آن چه خواندید؟ گوشاهی ناجیز و البته ناپنهان از توانایی رزمی یگان های ویژه ارتش اسرائیل است که طی چند دهه اخیر اهرم فشاری در خور برای تحقق سیاست های تجاوز طلبانه سران این رژیم در سطح منطقه به شمار می رفته است.

عملیات های یاد شده نه بازگویی فیلم های هالیوودی

است، آن گونه که از بازیگرانی هم چون رمبو، آرنولد و... دیده ایدم، نه تخلیاتی مهم و نه افسانه هایی باقته شده! آن چه ذکر شد گزارش گونه های مختصر بود از توان فوق العاده یگان های عملیاتی اسرائیل که از آن ها در این کشور به «نیپ غولانی» یا «تیروی جاویدان» یاد می شود. نیروهایی که در عرف نظامی این رژیم بازد هر یک از آن ها با قدرت سیزده نظامی سایر ارتش های جهان قادرمندترین ارتض شناخته شده جهان نیز فاقد آن است. «غول» ها ستون فقرات مستحکم ارتش عربی محسوب می شوند. مردانی که هر گره کوری را در ساحت مسائل نظامی و امنیتی می گشایند و با وجود آن ها دست سیاستمداران و نظامیان این رژیم برای هر اقدام تهاجمی باز باز است. غول های بمنزله چک های سفید امضایی هستند که اسرائیل بارها و بارها بی هیچ خستی از آن ها بهره برده است.

برداشت دوم

۱. سال ۲۰۰۰ م

ارتش رژیم اشغالگر قدس پس از سال ها تجاوز و اشغالگری، بر اثر ایجادگی جنبش مقاومت اسلامی شیعیان مجبور به فراری ذلتبار از جنوب لبنان می شود تا بشکند تابوی شکست ناپذیری چهارمین ارتش قدرتمند جهان! عقب نشینی اسرائیل از بخش اعظمی از جنوب لبنان، زمینه ای را برای طرفین درگیر فراهم ساخت تا با میانجی گری رابطی آلمانی به تبادل اسرا و اجساد کشته شدگان یکدیگر پیراذاند.

پس از مدت ها رایزنی و گفت و گو، سرانجام قراردادی به تأیید دو طرف رسید که بر اساس آن باید در سال ۲۰۰۴ م عملیات تبادل در فروگاهی در آمان طبق لیستی که بین دو هیئت مذاکره کننده بهامضا رسیده بود، صورت پذیرد. شب تبادل اسرا ظاهرا همه چیز روال طبیعی خود را طی می کرد. ابتدا اجساد کشته ها تحویل دو طرف شد. سپس قرار شد که اسرا میادله شوند. هنگامی که اسرائیل اسرا را از هواپیمای خود خارج کرد، حزب الله متوجه شد طرف مقابل زیر و عده خود زده و برخلاف توافق قبلی، سه اسیر مهم این جنبش را همچنان در زندان های نظامی خود نگه

جمله مقامات اسرائیلی یا باز معنایی آن را در ک نکرند و یا فهمیدند اما آن را گافی سیاسی برای «صرف داخلی» پنداشتند.

«ما هر کاری می کنیم... ما هر کاری می کنیم تا اسرائیل لبنانی را به کشورمان باز گردانیم و من به همه اعلام می کنم که انشاء الله در جشن تولد تأسیس حزب الله در سال دیگر سمير قطار سخنران مراسم ما خواهد بود.» این سخنان نصر الله که بارها با تشویق شدید حضار قطع می شد تبادل وقوع تحولاتی غافلگیرانه را می داد. «ما هر کاری می کنیم» و قی کاملاً روشش شد که نصر الله به تصویر عملیات ریاضی نظامیان یهودی توسط زمینه گان مقاومت اشاره کرد، تا ضمیر، مرجع خود را بیابد و سخنان وی بر محمل خود آرام گیرد.

از این پس مقاومت اسلامی لحظه ای آرام نتشست و چراغ اتاق طرح ریزی عملیات های سری حزب الله واقع در قرار گاه بیرون لحظه ای خاموش نگشت. آن ها باید برای آزادی سمير و دیگر اسیران لبنانی راه چاره ای می یافتدند. سرانجام پس از چندماه کار و تلاش و شناسایی و طراحی و تمرین، نقشه عملیات با نظارت فرمانده مقاومت و در حضور کادر طراحی و اجرای عملیات به بحث و گفت و گو گذاشته شد و به تصویب نهایی رسید.

برنامه از این قرار بود: کمین برای گرفتن اسیرانی تازه از اسرائیل.

۳. وعده صبح صادق!

۱۲ زوئن ۲۰۰۶ ساعت ده صبح نیروهای مقاومت با بریدن تورهای فلزی جایل مزارع اشغالی «شیعا» و «عبور از مناطق تحت سیطره نظامیان اشغالگر به مرانع سرسیز «عیتا الشعب» وارد شده و با یگان زرهی گردان مرزی ارتش اسرائیل وارد نبردی

داشته است. این سه تن عبارت بودند از: ۱. سمير قطار (قدیمی ترین لبنانی در بند اسرائیل که از سال ۱۹۷۹ در اسارت این رژیم به سر می برد؛ کسی که سید حسن نصر الله لقب «عمید الاسرا» را به او داده است.

۲. نسیم نسری ۳. یحیی سكاف اسرائیل در پاسخ به اعتراض حزب الله اعلام داشت که سمير قطار عضو این جنبش نیست. آن ها استدلال می کردند سمير را قبل از تشکیل حزب الله به اسارت در آورده اند، بنابراین وی اسیر ملی لبنان است و آزاد ساختن وی مشروط به مذکوره با دولت لبنان می باشد.

اکنون دو راه بیشتر فاروی نماینده حزب الله باقی نمانده بود:

۱. برهم زدن میادله، که درین صورت اسیران لبنانی که اکنون در شرف آزادی بودند، دوباره به زندان های اسرائیل باز می گشتند.

۲. قبول میادله و تبادل اسراء

حزب الله علی رغم میل باطنی و پاشاری بیش از حدی که فرمانده آن بر آزادی سمير قطار داشت راه دوم را برگزید و اسرا با همان ترکیب موجود میادله شدند.

۲.۱. اما این پایان ماجرا نبود!

حزب الله به این سادگی ها از سمير نمی گذشت. نیرنگ اسرائیل شروع طوفانی را سبب شد که بعدها خمن رویاهای شیرین حاکمان تل اویو را به نایودی کشاند.

سید حسن نصر الله در جشن آزادی اسراییل لبنانی از وقوع اتفاقات مهمی در آن زمان که در آن زمان بسیاری و از





۶۳

نفس گیر شدند.
رژمندگان نصاری الله که ساعت‌های طولانی برای طرح ریزی این عملیات وقت صرف کرده بودند تمام تلاش و توان خود را وقف زنده اسپرسازی نیروهای اشغالگر کردند.
ساعتی بعد با کشته شدن هفت افسر یهودی، اسارت دو تن و مجرح شدن تعداد زیادی از آن‌ها نبرد به نفع مبارزان حزب الله خاتمه یافت. حالا حزب الله گام اول را محکم برداشته بود تا خاورمیانه آبستن تحولات تازه‌ای گردد که به هیچ عنوان خوشایند آمریکا و غرب نخواهد افتاد.

۴. جنگی سه الی ده روزه!

اسرائیل در پاسخ به شرارت‌های! حزب الله و به بهانه آزادسازی دو سرباز اسپرس، از آسمان و دریا به لبنان حمله کرد تا انتقام سختی از نیروهای مقاومت بگیرد.
با اوج گرفتن حملات هوایی و موشکی، نیروهای پیاده ارتش صهیونیسم یورش زمینی خود را همزمان از تمامی نقاط مرزی آغاز کردند. آن‌ها آمده بودند تا در عرض سه الی ده روز کمر حزب الله را بشکنند و این جنبش را برای همیشه نابود کنند.^۷

البته در این پروژه، اسرائیل بی‌یاور نماند: از آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای غربی گرفته تا شورای امنیت، سازمان ملل، دولت‌های عربی و مzdoran داخلی در عرصه حاکمیت ملی لبنان، همه‌وهمه دست به دست هم دادند تا حزب الله برای همیشه از صحنه سیاسی و نظامی خاورمیانه حذف شود.

چندروزی از آغاز جنگ می‌گذشت اما ظاهرا تمام معادلات پیش‌بینی شده به هم ریخته و قواعد بازی انگار به کلی تغییر یافته بود.

گویا این اسرائیل بود که زیر ضربات مرگبار «مقاومت خرد و خمیر می‌شد. نیروی زمینی اسرائیل کاملاً مستحصل شده و حتی از تصرف اراضی نزدیک به نقطه مرزی نیز عاجز مانده بود! ارتش یهود باید فکری بر می‌داشت! این نبرد کار هر رزمجوبی نبود...»

۵. غولانی‌ها هم آمدند

این گونه بود که غول‌ها که قهرمانان همیشه پیروز این مقال بهشمار می‌روند، دیگریار وارد متن داستان شدند.
ایهود اولمرت نخست وزیر دولت عبری، که روابط درهم‌تییده خود با فرماندهان تیپ غولانی را مدیون حضور چندین ساله خود در این یگان به عنوان خبرنگار نظامی روزنامه (بماهانیه) بود، بار دیگر دست به دامان «نیروی جاویدان» شد تا از یک رسوایی فضاحت‌بار جدید در جبهه سیاسی نظامی این رژیم جلوگیری کند.

غول‌ها با کوله‌باری از دستاوردهای انحصاری و بی‌بدیل خود و با تکیه بر توان پیچیده تاکتیکی و تکنیکی خود آمدند تا حزب الله را به بایگانی خاطره‌ها بسپارند.

تیپ غولانی به سرعت به چیش نظامی یگان‌های خود در جنوب دست زد و در محورهای «مشروع الطيبة»، «تمه مسعود»، «عیترون» و... شروع به پیشروی کرد. اما که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها! مقاومت سرخختانه رژمندگان مقاومت در دشت‌ها و تپه‌های سرسیز‌جنوب عرصه را عجیب بر غول‌ها تنگ کرد.
شیدترین درگیری‌ها در دو آوردگاه رعب‌آور «بنت جبیل» و «مارون الرأس» صورت گرفت که طی آن تعداد انگشت‌شماری از چریک‌های حزب الله با اجرای کمینی پیچیده و ماهرانه در «مارون الرأس»، غول‌های «بیوتاف مرداشای» را در تله محاصره مرگ‌آوری انداختند و پس از ساعتی زد خورد شدید، بیش از سیزده تن را از پای در آورده و تعداد زیادی را نیز مجروح کردند.

فردایی می‌اندیشند بس تیره و گنگ! به آینده‌ای که فرزندان «روح خدا» رقمش خواهد زد. آینده‌ای متفاوت از آن چیزی که غرب همه حیثیت نداشته‌اش را در روایات حقق آن پیش‌فروش کرده است. آینده‌ای تخیلی که «رایس» جنگ ۳۳ روزه را در طبیعی زایمان آن خواهد و لاجرم مردم لبنان را به تحمل این درد فرامی‌خواهد!

خانم رایس! آینده را ما می‌سازیم. این سیاره محض بر که هیچ، حتی اگر همه افلاک را ارت پدری تان بخواید! «فردا چگونه باشد» را شرقیان رقم خواهد زد. آنان که «کتب علی رایانها القوه»^۱ سکان هدایت این کره در دستان ما خواهد افتاد. در دستان ما، بجهه‌های پابرهنه وارت زمین، کودکان مظلوم قاتا و ضاحیه، بسیجیان نصرالله سربازان سید خراسانی! این وعده الهی است!

آری پرجم‌های سیاه از شرق می‌آید. فردا را شرقیان می‌سازند. دنیا چه زیبا خواهد شد آن روز بی شما! راستی خانم وزیر! پریزیدنت بوش را پرسش شوید که آن روز شما کجا خواهید بود؟!

«کم من فته قلیله غلت فته کثیره باذن الله و الله مع الصابرین». چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار باهانه خدا بیروز شدند و خداوند با شکیابیان است.»

پی‌نوشت‌ها Sayert matca.^۱

۲. به علت پرهیز از اطباب پیشتر از ذکر دیگر عملیات‌های افشا شده این نیروها مامنند عملیات‌های فراری دادن به دوستان سوریه و اتیوپی و... صرف نظر می‌شود.
۳. گولاکی نیز شنیده شده است.
۴. ادعای اولمرت در آغاز جنگ ۳۳ روزه.
۵. در [کتاب آسمایشان] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که: قطعاً دوبار در زمین فساد خواهید کرد و قطعاً بسیار بزرگی برخواهید خواست پس ان گاه که وعده [تحقیق] نخستین آن دو فروردین گانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم تا میان خانه‌ها [یعنی برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند، و این تهدید تحقیق یافتنی است
۶. بخار الانوار، ج. ۲۱۶ ص. من عقاید الإمامیه الائی شعریه، ص. ۲۷۰.
۷. بقره، آیه ۲۴۹.



خورده‌اند.

۷. پس لرزوهای شکست

تحمیل شکست‌های پی‌درپی بر غول‌هایی که در جنگ ۱۹۸۲ به فرماندهی شارون در کمتر از یک هفته بیروت را به راحتی به چنگال خود درآورده بودند، آشفتگی بی‌سابقه‌ای را در میان مقامات نظامی و سیاسی دولت یهودی برانگیخت.

ضریبات مرگبار حزب‌الله بر غول‌ها آن چنان حساب شده و با برنامه صورت می‌پذیرفت که بر اثر آن «دان‌حالتوس» فرمانده ایرانی‌اصلاح ستاد مشترک ارتش اسرائیل در اثنای جنگ ۳۳ روزه به سکته قلبی دچار و چند زمانی را فارغ از هیاهوی جنگ مهمان تخت بیمارستان نظامی تل‌اویو شد. مقامات اسرائیل هم‌زمان کوشیدند مشکل وی را ناراحتی معده جلوه دهند.

البته پس لرزوهای اصلی این شکست کمرشکن پس از اتمام جنگ خود را نمایان ساخت. از تغیر و تحولات عده‌ی سیاسی و نظامی و عزل و نصب‌های گسترده در میان مقامات این رژیم گرفته تا شکست طرح خاورمیانه جدید، خیزش بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، محبوسیت روزافزون حزب‌الله در سطح جهان و...

۸. مبارزانی از قم

روایت است هنگامی که امام جعفر صادق علیه السلام آیه ۴۵ سوره اسراء^۲ را قرائت کردند عده‌ای از یاران از ایشان پرسیدند: آن‌ها [بندگان نیرومند خداوند] کیانند؟ امام سه‌بار فرمودند: یه خدا قسم آن‌ها اهل قم هستند.^۳

۹. پایان اسطوره‌های پوشالی

این‌ها همه نشانه‌ای است بر یک پایان! پایان اسطوره شکست‌تاپذیری اسرائیل! گول غول‌ها را نخوردیده باشیم. تاریخ پر از غول بوده است. غول‌هایی پوک و تو خالی و شاخ شکسته! به یاد داشته باشیم که در گذر زمان غول‌ها همه «سوپر استارها» و قهرمان‌های افسانه‌ها بوده‌اند و دیگر هیچ! «غول»‌ها اینک آرمیده‌اند و هراسناک به

با تکرار همین اوضاع در سایر جبهه‌های نبرد، غول‌ها سرآسمیه راه دریش گرفتند تا برای نخستین بار در تاریخ درخشان این تیپ، کماندوهای مغروس با چشم‌اندازی گریان و قلبانی مضطرب آینده‌ای میهم را در انتظار بنشینند.

در ادامه با افزایش تلفات نیروی جاویدان در دیگر محورها و هم‌چنین مجموع شدن فرمانده پرسابقه این تیپ یوتفاف مردآخای بر اثر اصابت ترکش موشک‌های حزب‌الله، شیرازه رزم غولانی‌ها از هم پاشیده شد تا آب پاکی ریخته شود بر دستان لرزان مقامات تل‌اویو! یکی از چریک‌های غولانی که از جهنم مارون الرأس سر به سلامت بیرون برده بود در مصاحبه با تلویزیون این رژیم، اوضاع آشفته حاکم بر غول‌ها را این گونه توصیف می‌کند:

«اوامری که برای ما صادر می‌شده هیچ کدام واضح و گویا نبود. یکبار دستور حمله به روستایی را می‌دادند اما پس از مواجهه به نیروهای حزب‌الله و کشته‌شدن عده‌ای از سربازان، بالاگاهه دستور عقب‌نشینی و حمله بر یک روستای دیگر را صادر می‌کردند. افهاری پس و سرخورده‌گی تنها به افسران این تیپ محدود نمانده، دامنه آن‌ها آن جا گسترش یافت که فرمانده محروم غولانی نیز توانست دشواری روزهای طی شده را انکار کند:

«تیروهای حزب‌الله قهرمانانه مقاومت می‌کنند. آنان رزم شجاعانه‌ای را به تماشا گذاشتند و با مهارت فوق العاده‌ای جنگیدند.»

۶. ۳۰ زوئیه، ۲۰۰۶

کسی چه می‌دانست، صاعقه‌ای دیگر در راه بود و عملیات روانی جدیدی در حال شکل گیری. اسرائیل در این برده از جنگ، مدعی شده بود که ارتباط تشکیلاتی و ارگانیک بین فرماندهی و بدنۀ مقاومت از بین رفته و رزم‌دگان حزب‌الله به صورت گروه‌های مستقل و خودگردان و بدون همانه‌نگی با فرماندهان عالی رتبه خود، اقدام به عملیات‌های پراکنده چریکی می‌کنند. این رژیم یکان‌های مقاومت را به «بندنی بی‌سر» تشبیه کرده بود! در این بین نصرالله که در مدت نوزده روز طی شده از آغاز جنگ با شگردهای خاص عملیات روانی خود، اردوگاه دشمن را از حیث روحی و روانی به کلی متزلزل کرده بود، به ناگاه بر صفحه تلویزیون‌های صدۀ هزار بینندۀ شبکه تلویزیونی المثار ظاهر شد و همگان را به تماشای صحنه‌هایی واقعی و مهیج دعوت کرد. وی آن گاه با لبخندی زیرکانه دستور حمله به‌ناچه‌های اسرائیلی را صادر کرد تا خط بطانی بشد بر ادعاهای رژیم اسرائیل. آن گاه نگاه متغير صدۀ هزار تماشاگر در سرتاسر جهان به تصاویری از رزم‌ناو «ساعر»^۴ اسرائیلی جلب شد که با آرامش تمام در سواحل لبنان مشغول گشتنی بود. این تصاویر توسعه یگان عملیات روانی حزب‌الله به صورت زنده و مخفیانه همزمان برای المثار ارسال می‌شد. زمان به‌کنندی می‌گذشت. آرامش حاکم بر این رزم‌ناو همه را نسبت به اظهارات چند دقیقه قبل فرماندهی مقاومت به تردید و دو dalle و امی داشت. اما این تردید چندان دوامی نیافت. با صدای غرش رعد‌آسایی، چند فروند موشک ساحل به دریای مقاومت، ناوجه اسرائیلی را در یک آن با پنجاه خدمه حاضر در آن متلاشی ساخته و به قعر سواحل مدیرانه فرستاد. ابهرت این ضربت شست برای لحظاتی طولانی مخاطبان رسانه تصویری حزب‌الله را در مقابل گیرنده‌های خود میخ کوب کرد. فردا آن روز منابع خبری اعلام کردند که شانزده کماندوی دریابی تیپ ویژه غولانی در میان کشته‌شدگان این رزم‌ناو مرحوم! به چشم